

پژوهش‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان

(علمی-پژوهشی)

سال سوم، شماره‌ی اول (پیاپی ۶)، بهار ۱۳۹۳

خطاهای نوشتاری فارسی آموزان آلمانی‌زبان

در سطح مقدماتی: خطاهای املائی-واجی

مهین‌ناز میردهقان

دانشیار زبان‌شناسی - دانشگاه شهید بهشتی

احمد احمدوند

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان

نیلوفر سادات حسینی کارگر

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد مطالعات هند

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تحلیل خطاهای نوشتاری فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان در سطح مقدماتی است؛ به همین منظور، خطاهای موجود در نگارش نویسه‌های نوشتاری ۳۴ زبان‌آموز مقدماتی زبان فارسی به روش خودانگیزته گردآوری و با توجه به طبقه‌بندی‌های فیزیکی (۱۹۸۱)، کشاورز (۱۹۹۹) و ضیا حسینی (۱۹۹۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. داده‌های تحقیق شامل ۸۵۰ خطا، موسوم به خطاهای املائی-واجی است که مربوط به نویسه‌ها و حروف آنها در واژه‌ها می‌باشد. خطاهای موجود با توجه به فرایندهای واجی به ترتیب در گروه‌های جایگزینی نادرست، افزایش نادرست، کاهش نادرست و ترتیب نادرست نویسه و همچنین با توجه به منشأ وقوع در دو گروه خطاهای میان‌زبانی و خطاهای درون‌زبانی طبقه‌بندی شده‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که منشأ وقوع ۶۷۲ خطای واجی، میان‌زبانی است و ۲۱۸ خطای دیگر نیز از منشأ درون‌زبانی برخوردار هستند. همچنین، بروز ۶۷۱ خطای واجی از فرایند جایگزینی نادرست، ۳۱۶ خطا از فرایند افزایش نادرست، ۲۶۸ خطا از فرایند کاهش نادرست و ۲۵ خطای دیگر هم از فرایند ترتیب نادرست نویسه ناشی شده است که در این میان، فرایند جایگزینی نادرست نویسه دربرگیرنده‌ی دو فرایند دیگر یعنی افزایش و کاهش نادرست نویسه می‌باشد. بسامد وقوع فرایندهای واجی در پیدایش خطاها نیز محاسبه و در جداول مربوط ارائه شده است. تحقیق حاضر نشان‌دهنده‌ی این است که زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم، نسبت به تداخل زبان آلمانی به‌عنوان زبان مادری، تأثیر بیشتری در بروز خطاها دارد.

کلیدواژه‌ها: خطاهای املائی-واجی، واج، نویسه، تداخل

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۳/۱

m_mirdehghan@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱/۵

رایانشانی نویسنده مسئول (مهین‌ناز میردهقان):

۱. مقدمه

از دیرباز تاکنون و با تکامل دانش زبان‌شناسی به‌ویژه در تحلیل مقابله‌ای، عوامل زبان‌شناختی مهمی همچون شناسایی انواع خطاها، علت‌های بروز خطاها، چگونگی تصحیح خطاها و تهیه و تدوین متون سازگاری‌یافته براساس خطاها مورد توجه مدرسان و پژوهشگران زبان بوده است. بنابراین، به منظور دستیابی به وضعیت آموزشی بهتر و همچنین تسهیل آموزش و یادگیری زبان دوم، پژوهش‌هایی از آغاز دانش زبان‌شناسی تاکنون صورت پذیرفته است. تمام این پژوهش‌ها و همچنین پژوهش حاضر در یک هدف یعنی یافتن راهکارهایی برای آموزش و یادگیری زبان فارسی به روشی مطلوب، مشترک هستند. در پژوهش حاضر، خطاهای نوشتاری فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان در سطح مقدماتی از منظر زبان‌شناسی مقابله‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

«تحلیل مقابله‌ای»^۱ بین سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ با گستردگی مطرح شد و در جایگاه زبان‌شناسی ساخت‌گرا در حوزه‌ی آموزش زبان دوم به‌کار بسته شد. در این نوع تحلیل‌ها، تداخل عناصر و ساخت‌های زبان مادری یکی از دشواری‌های عمده در یادگیری زبان دوم محسوب می‌شود، اما پژوهشگران این حوزه بر این باور هستند که با مقایسه‌ی نظام‌مند دو زبان می‌توان این عناصر را پیش‌بینی کرد و به‌کارگیری آنها در تدوین مواد آموزشی به‌طور چشمگیری تداخل زبان مادری در یادگیری زبان دوم را کم می‌کند؛ در نتیجه، آموزش زبان‌های خارجی بهبود می‌یابد (میردهقان، ۱۳۸۰: ۲۲). بر این اساس، در زمینه‌ی فراگیری زبان خارجی، تداخل زبان اول در توضیح خطاهای زبان مقصد از اهمیت خاصی برخوردار است.

با این حال، این نوع تحلیل در تشخیص و چگونگی برخورد با خطاهای زبان‌آموزان با رکود مواجه شده است. براون (۱۹۹۴: ۱۰۵) اذعان می‌دارد که ظهور موجی نوین در مطالعات زبان‌شناسی، توجه به خطاهای زبان‌آموزان به‌عنوان پدیده‌ای طبیعی و واقعی را به دنبال داشته که با مشاهده‌ی خطاها به تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازد. در این دسته از مطالعات که «تحلیل خطا»^۲ نامیده می‌شود، نمونه خطاهای تولید شده از سوی زبان‌آموزان در یادگیری زبان دوم از اهمیت بسزایی برخوردار است (کوردر، ۱۹۶۷: ۱۶۷). به گفته‌ی کشاورز (۱۹۹۴: ۴۴)، «تحلیل خطا» نسبت به «تحلیل مقابله‌ای» در یادگیری زبان دوم خوش‌بینانه‌تر رفتار می‌کند؛ به عبارتی، خطاها نه تنها به‌عنوان نشانه‌های ناکامی و ناتوانی زبان‌آموزان در یادگیری زبان دوم محسوب نمی‌شوند، بلکه خطاها عاملی برای میزان سنجش توانایی زبانی زبان‌آموزان در یادگیری زبان دوم محسوب می‌شوند و این عامل می‌تواند به‌عنوان راهنما عمل کند و آنها را تا رسیدن به سطوح بالای

1. contrastive analysis

2. error analysis

یادگیری هدایت کند. از این‌رو، در دیدگاه «تحلیل خطا» برخلاف «تحلیل مقابله‌ای»، ریشه‌کن کردن خطاها مد نظر نیست.

بر این مبنای، در مقاله‌ی حاضر، با توجه به مبانی نظری تحلیل خطا و با توجه به نمونه خطاهای گردآوری شده از آلمانی‌زبانان فارسی‌آموز، خطاهای آلمانی‌زبانان در حوزه‌ی املائی (املائی-واجی) و زیرمجموعه‌های مربوط به آنها به ترتیب بسامد مورد تحلیل قرار خواهند گرفت. همچنین، پس از تجزیه و تحلیل خطاها و بررسی علل و عوامل وقوع آنها، راهکارهایی به منظور کاهش خطاها و کمک به تسریع و تسهیل در یادگیری زبان فارسی در اختیار معلمان و یادگیرندگان زبان فارسی قرار داده می‌شود.

اهمیت نوشتن و نیاز به صحیح نوشتن در ایجاد برقراری ارتباط با دیگران از طریق زبان مادری یا زبان دوم بر کسی پوشیده نیست (هاشم‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۲۴). «املاءنویسی در واقع توانایی تحلیل املائی پاره‌گفتار^۱ ارائه شده و تکمیل یا بازنویسی صورت نوشتاری ماده‌ی آزمون به جای صورت آوایی آن است [...] و از اهداف آن می‌توان به مواردی همچون روان‌نویسی (درست‌نویسی کلمات)، حفظ رابطه‌ی کلمات، تطبیق درست شنیدن و درست نوشتن، تقویت مهارت نوشتن، تندنویسی، زیبانویسی، خوانانویسی، رعایت فاصله‌ی کلمات و از همه مهم‌تر، آزمایش آموخته‌های زبان‌آموزان برای شناخت و رفع نارسایی‌های آموزشی اشاره نمود» (هاشم‌زاده، ۱۳۸۷: ۹).

در ارتباط با این مسأله، ناهماهنگی نظام املائی زبان فارسی از عوامل اساسی در بروز خطاهای املائی برای غیرفارسی‌زبانان به شمار می‌رود؛ به نحوی که عدم وجود رابطه‌ی یک‌به‌یک میان شکل نوشتاری حروف و صدای آنها و چندنویسه‌ای بودن یک صدا (واج) (مانند نمایش صدای /z/ در فارسی با حروف ز، ذ، ظ، ض) باعث شده است تا شاهد خطاهایی املائی همانند «زمیمه» به جای «ضمیمه»، «اهمد» به جای «احمد» و «سابون» به جای «صابون» در نوشتار فارسی‌آموزان و حتی فارسی‌زبانان باشیم.

خطاهای املائی که در این حوزه بررسی می‌گردند به دو دسته‌ی مهم تقسیم می‌گردند؛ مهم‌ترین و پربسامدترین دسته از این خطاها، موسوم به «خطاهای واجی»^۲ است که در حوزه‌ی حروف و الفبای زبان فارسی به وجود آمده‌اند؛ این بدان معنا است که زبان‌آموزان در نوشتن حروف زبان دوم، مرتکب خطا می‌گردند؛ زیرا آنان هنوز دانش لازم و کافی را از الفبا و قواعد حاکم بر آن به دست نیاورده‌اند. در املاها و دیگر نوشته‌های فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان - که آزمودنی‌های پژوهش حاضر هستند - در سطح مقدماتی نیز خطاهای زیادی از این نوع مشاهده شده است.

1. utterance

2. phonological errors

دسته‌ی دوم این حوزه از خطاها موسوم به «خطاهای خطی»^۱ (رسم‌الخطی) است که مربوط به رسم‌الخط زبان فارسی است؛ یعنی آن دسته از خطاهایی که زبان‌آموز در نوشتن یا ننوشتن برخی علائم مربوط به حروف مرتکب شده است. با توجه به محدودیت ابعاد مقاله، پژوهش حاضر محدود به تحلیل خطاهای آلمانی‌زبانان در حوزه‌ی املائی از نوع خطاهای واجی است.^۲

۲. مبانی نظری

پژوهش حاضر با توجه ویژه به تقسیم‌بندی‌های فیزیاک (۱۹۸۱)، ضیاحسینی (۱۹۹۴) و کشاورز (۱۹۹۹) به انجام رسیده است. ضیاحسینی (۱۹۹۴: ۱۱۶) منشأ خطاها را دو عامل عمده می‌داند. بر این اساس، خطاهایی که منشأ تولیدشان زبان دوم است، خطاهای «میان‌زبانی»^۳ یا «پیشرفتی»^۴، و خطاهایی که منشأ تولیدشان زبان نخست است، خطاهای «درون‌زبانی»^۵ یا «تداخلی» نامیده می‌شوند. در این مقاله نیز، زبان آلمانی در جایگاه زبان مادری زبان‌آموز و زبان فارسی در جایگاه زبان دوم او در نظر گرفته شده است.

در تقسیم‌بندی کشاورز (۱۹۹۹: ۷۵) از چهار فرایند «جایگزینی نادرست واج»، «افزایش واج»، «کاهش واج» و «ترتیب نادرست واج» در بروز خطاهای املائی-واجی نام برده شده است. در تحقیق کنونی علاوه بر تقسیم‌بندی‌های نامبرده به تقسیم‌بندی کشاورز مبتنی بر شمول خطاهای گفتاری و نوشتاری در خطاهای واجی نیز توجه شده است. به همین خاطر، خطاهای املائی-واجی در نوشتار براساس چهار فرایند فوق به صورت «جایگزینی نادرست نویسه»، «افزایش نادرست نویسه»، «کاهش نادرست نویسه» و «ترتیب نادرست نویسه» در پیکره‌ی تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

فرایندهای تولید خطاهای املائی-واجی:

- جایگزینی نادرست نویسه
- افزایش نادرست نویسه
- کاهش (حذف) نادرست نویسه
- ترتیب نادرست نویسه

^۱ punctuation errors

^۲ خطاهای خطی (رسم‌الخطی) مشتمل بر خطاهای خطی در نگارش ناصحیح حرف (آ)، جدانویسی و سرهم‌نویسی، تنوین، همزه و تشدید است. برای آشنایی بیشتر با خطاهای املائی-خطی (رسم‌الخطی)، خطاهای واژگانی-معنایی و خطاهای دستوری آلمانی‌زبانان به احمدوند (۱۳۸۹) رجوع شود.

^۳ intralingual errors

^۴ developmental errors

^۵ interlingual errors

منشأ خطاهای املائی-واجی:

- خطاهای میان‌زبانی
- خطاهای درون‌زبانی

فرایند «جایگزینی نادرست نویسه» به‌عنوان پربسامدترین فرایند در تولید خطاهای املائی-واجی به دو دسته‌ی «نویسه‌های هم‌آوا» و «نویسه‌های نقطه‌دار» در زبان فارسی تقسیم می‌شود. همچنین منشأ خطاهای درون‌زبانی را نیز می‌توان در این فرایند واجی جستجو کرد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. نویسه‌های هم‌آوا نیز به‌عنوان یکی از دشواری‌های خط فارسی که منجر به تولید خطاهای زیادی از جانب فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان گردیده در چند دسته طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل می‌شود که به شرح زیر است:



تحلیل حاضر در ادامه، دو بخش عمده را شامل می‌گردد؛ به دنبال ارائه‌ی بررسی مقابله‌ای از نویسه‌های الفبایی دو زبان فارسی و آلمانی، خطاهای املائی-واجی ناشی از دشواری‌های خط و نظام نوشتاری فارسی، و نیز تداخل اصول و قواعد نظام نوشتاری زبان آلمانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱.۲. مقایسه‌ی نظام الفبایی در زبان‌های فارسی و آلمانی

الفبای زبان فارسی شامل ۳۲ حرف است و از راست به چپ نوشته می‌شود که عبارتند از «ا، ب، پ، ت، ث، ج، چ، ح، خ، د، ذ، ر، ز، ژ، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، گ، ل، م، ن، و، ه، ی». نویسه‌های فوق هنگام نگارش، بسته به جایگاهی که در واژه دارند به شکل‌های گوناگونی نوشته می‌شوند. همچنین افزون بر این نویسه‌ها، نویسه‌های دیگری نیز در نظام نوشتاری زبان فارسی وجود دارند که در جدول (۱) آمده‌اند. الفبای زبان آلمانی نیز دارای ۲۶ حرف است و برخلاف فارسی از چپ به راست نوشته می‌شود. حروف الفبای آلمانی عبارتند از [a, b, c, d, e, f, g, h, i, j, k, l, m, n, o, p, q, r, s, t, u, v, w, x, y, z].

افزون بر این حروف، زبان آلمانی حروفی مرکب و نیز حروف دیگری را در برمی‌گیرد که مجموعه‌ی این حروف نیز در جدول (۱) با مقایسه‌ی نویسه‌های دو زبان ذکر شده است.

جدول ۱. نویسه‌های زبان‌های فارسی و آلمانی

نام الفبایی فارسی	آوانگاشت	نویسه‌ی آلمانی	نویسه‌ی فارسی	نام الفبایی فارسی	آوانگاشت	نویسه‌ی آلمانی	نویسه‌ی فارسی
شین	[ʃ]	Sch	ش ش	الف (مد)	[â]	a	آ، ا
صاد	[s]	s , ß , ss	ص ص	الف (فترحه)	[a]	A	آ
ضاد	[z]	S	ض ض	الف (کسره)	[a]	E	اِ
طا	[t]	T	ط	الف (ضمه)	[o]	O	اُ
ظا	[z]	S	ظ	ب	[b]	B	ب ب
عین	[ʕ]	*	ع ع ع	پ	[p]	P	پ پ
غین	[q]	R	غ غ غ	ت	[t]	T	ت ت
ف	[f]	f, v	ف ف	ث	[s]	s , ß , ss	ث ث
قاف	[q]	R	ق ق	جیم	[j]	dsch	ج ج، ج
کاف	[k]	K	ک ک ک	چ	[ç]	tsch	چ چ، چ
گاف	[g]	G	گ گ گ	ح	[h]	H	ح ح، ح
لام	[l]	L	ل ل	خ	[x]	Ch	خ خ، خ
میم	[m]	M	م م	دال	[d]	D	د
نون	[n]	N	ن ن	ذال	[z]	S	ذ
واو	[v]	w, v	و	ر	[r]	R	ر
ه	[h]	H	ه ه ه	ز	[z]	S	ز
ی	[y]	J, y, i	ی ی، ای	ژ	[ž]	*	ژ
—	[u]	U	او	سین	[s]	s , ß , ss	س س
—	[i:]	Ie	—	—	[ä]	Ä	—
—	[eu]	äu و eu	—	—	[ö]	Ö	—
—	[au]	Au	—	—	[ü]	Ü	—
—	[pf]	Pf	—	—	[ts]	c, z	—
—	[ŋ]	Ng	—	—	[ç]	ch, ig	—
تذکر: نشانه‌ی — به معنی عدم وجود نویسه‌ی مورد نظر در یک زبان است.				—	[ks]	x, chs	—

نگاهی اجمالی به جدول فوق نشان می‌دهد که الفبای زبان فارسی می‌تواند باعث ایجاد دشواری‌های فراوانی برای یادگیرندگان این زبان شود؛ چون در زبان فارسی رابطه‌ی منظم و یک‌به‌یک میان نویسه و آوا وجود ندارد.^۱ از طرف دیگر، آواها و نویسه‌ها در هر دو زبان از اصول و قواعد زبانی خاص خود پیروی می‌کنند.^۲

پیش از تجزیه و تحلیل انواع خطاهای میان‌زبانی و درون‌زبانی، لازم است به چند مورد از دشواری‌های خط فارسی که در بروز خطاهای املائی-واجی نقش دارند اشاره کنیم:

۱. خط و الفبای زبان فارسی، عربی است؛ در حالی که خط و الفبای زبان آلمانی، لاتین است و در خط لاتین، کاستی‌ها و نواقصی که در خط عربی است، چندان مشاهده نمی‌شود.

۲. خط و حروف الفبای زبان فارسی از سمت راست نوشته می‌شوند، در حالی که خط و حروف الفبای زبان آلمانی را از سمت چپ می‌نویسند.

۳. قانون بزرگ یا کوچک نوشتن حروف در دو زبان با یکدیگر متفاوت است؛ در زبان آلمانی، تنها حرف آغازین در جمله و حروف آغازین اسامی باید به صورت بزرگ نوشته شود، در حالی که در زبان

۱. همان‌گونه که در جدول بالا مشخص است، زبان آلمانی دارای شش واکه‌ی کوتاه و پنج واکه‌ی بلند است؛ اولین واکه‌ی کوتاه [a] است که معادل صدای حرف (آ) در زبان فارسی می‌باشد؛ مانند واژه‌ی /mann/ به معنای مرد. دومین واکه [o] است که معادل صدای حرف (اُ) در زبان فارسی می‌باشد؛ مانند /obst/ به معنای میوه. سومین واکه‌ی کوتاه در زبان آلمانی [u] می‌باشد که همانند ضمیر «او» در فارسی تلفظ می‌شود؛ مانند واژه‌ی /buch/ به معنای کتاب. چهارمین واکه در این زبان [ä] می‌باشد که شامل ترکیب دو واکه‌ی a+e است؛ مثل /väter/ به معنایی (پدران) و شبیه حرف شوا [ə] تلفظ می‌شود. پنجمین واکه‌ی کوتاه در آلمانی نیز [ö] است که از ترکیب دو واکه‌ی o+e تشکیل می‌شود؛ مثل /böse/ به معنای (شیطان و بدجنس) و در نهایت، ششمین واکه [ü] است که از ترکیب دو واکه‌ی u+e تولید می‌شود؛ مثل /über/ به معنای «درباره‌ی».

همچنین، زبان آلمانی دارای پنج واکه‌ی مرکب است که ساختار این واکه‌ها با واکه‌های مرکب زبان فارسی متفاوت است. واکه‌های مرکب در زبان آلمانی عبارتند از [ie] که صدایی مشابه «ایی» در زبان فارسی را دارد و تقریباً مثل اولین حرف «ی» در واژه‌ی «سینی» تلفظ می‌شود. دومین واکه‌ی مرکب [ei] است که معادل دو حرف (عی) در واژه‌ی (عیب) در زبان فارسی است؛ مانند واژه‌ی nein به معنای «نه». سومین واکه‌ی مرکب [eu] و [äu] است که تلفظ آن‌ها با واکه‌ی [oy] در پایان واژه‌ی /boy/ انگلیسی یکسان است؛ مانند واژه‌ی Leute به معنای مردم. چهارمین واکه [au] است که تلفظ آن با واکه‌ی [ow] در واژه‌ی انگلیسی /brown/ یکسان است؛ به عبارتی واکه‌ی [au] در زبان آلمانی مثل واکه‌ی [ow] در واژه‌ی /brown/ در زبان انگلیسی تلفظ می‌شود. به‌عنوان مثال واژه‌ی آلمانی /Baum/ به معنای درخت (پنبه‌چی، ۱۳۷۶: ۱۰ و عبدالکریمی، ۱۳۸۸).

۲. همان‌گونه که در جدول می‌بینید، بسیاری از نویسه‌ها در دو زبان فارسی و آلمانی از لحاظ آوایی با یکدیگر شباهت‌هایی دارند. با این حال، برخی از نویسه‌ها در این دو زبان از لحاظ آوایی با یکدیگر مطابقت ندارند؛ به عبارتی، معادل برخی از نویسه‌ها، در زبان دیگر وجود ندارد و/یا از لحاظ آوایی با یکدیگر متفاوت هستند. همان‌طور که در جدول نیز مشاهده می‌شود، در زبان فارسی معادل «همخوان‌های مرکب» موجود در زبان آلمانی وجود ندارد. همچنین زبان آلمانی فاقد همخوان‌های [z] و [ژ] یعنی (ج) و (ژ) در زبان فارسی است. تفاوت‌های آوایی بین همخوان‌های دو زبان، نه تنها می‌تواند باعث به وجود آمدن دشواری‌ها و خطاهایی در تلفظ زبان‌آموزان گردد، بلکه می‌تواند منجر به پیدایش خطاهای نوشتاری فراوانی نیز شود.

فارسی چنین قانونی صدق نمی‌کند و این زبان رسم‌الخطی ویژه و متفاوت از رسم‌الخط زبان آلمانی دارد. به همین خاطر فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان در نوشتن حروف فارسی احتمالاً دچار خطا می‌شوند.^۱

۴. برخی از حروف در زبان فارسی از لحاظ آوایی به چند گونه‌ی متفاوت از هم تلفظ می‌شوند؛ در نتیجه، یادگیرندگان زبان فارسی از جمله آلمانی‌زبانان در نگارش چنین حروفی با مشکل مواجه می‌شوند. به‌عنوان مثال حرف «و» را در زبان فارسی می‌توان به پنج گونه‌ی متفاوت تلفظ کرد که عبارتند از واکه‌ی [o] در واژگانی همانند «خوش» [xoš] و «تو» [to]؛ واکه‌ی [u] در واژگانی همانند «نور» [nur] و «تور» [tur]؛ همخوان [v] در واژگانی همانند «ورزش» [varzeš] و «وصال» [vesal]؛ واکه‌ی مرکب [ow] در واژگانی همانند «سوگند» [sowgand] و «نوروز» [nowruz]؛ و در پایان، به صورت حرفی ناملفوظ (واو معدوله) در واژگانی همانند «خواهر» [xâhar] و «خویش» [xiš].

۵. حروف نقطه‌دار و دندانه‌دار و بسیار مشابه و علائم خطی وارد شده از زبان عربی به زبان فارسی از قبیل تشدید، همزه، مد، تنوین، جدانویسی و سرهم‌نویسی از دیگر نارسایی‌های خط فارسی است.

۶. یکی دیگر از دشواری‌های خط فارسی برای یادگیرندگان این زبان، نویسه‌های گوناگون یک آوا است که از زبان عربی به زبان فارسی وارد شده است؛ به‌عنوان نمونه، آوای [z] را می‌توان به صورت‌های مختلف (ز)، (ض)، (ذ) و (ظ) نوشت.

این موارد و مواردی دیگر از دشواری‌های خط فارسی که در مجموعه‌ی خطاها مورد بررسی قرار می‌گیرند، منجر به پیدایش خطاهای میان‌زبانی و خطاهای درون‌زبانی می‌شوند که در بخش بعد به آنها پرداخته می‌شود.

۳. روش پژوهش

آزمودنی‌های این پژوهش ۳۴ فارسی‌آموز آلمانی‌زبان در سطح مقدماتی زبان‌آموزی هستند که از طریق روش نمونه‌گیری انتخاب شده‌اند. خطاها نیز از طریق روش خودانگیزیخته گردآوری گردیده‌اند. این آزمودنی‌ها، بدون در نظر گرفتن متغیرهایی چون جنس و سن از میان افرادی انتخاب شده‌اند که زبان

۱. صفوی (۱۳۸۶: ۳۳) چنین استدلال می‌کند که «می‌توان دریافت که «س» و «س» دو نویسه از یک گونه هستند. هر یک از این نویسه‌گونه‌ها را می‌توان به چندین شکل مختلف نوشت. هر بار که این نویسه‌گونه‌ها را بنویسیم، نشانه‌ای خطی از آنها بر روی کاغذ ثبت کرده‌ایم. از سوی دیگر این دو نویسه‌گونه در توزیع تکمیلی با یکدیگر هستند. یعنی هر کدام در جایگاه‌های خاصی کاربرد می‌یابند که جایگاه کاربرد دیگری نیست. می‌دانیم که «س» در جایگاه پایانی واژه‌ها کاربرد نمی‌یابد و در این جایگاه «س» به‌کار می‌رود». افراشی (۱۳۸۶: ۴۷) نیز در تأیید این مسأله به‌عنوان یکی دیگر از نارسایی‌های خط فارسی خاطر نشان می‌سازد که به خاطر سپردن جایگاه‌های کاربرد نویسه‌های «ع»، «ه»، «ع»، «ع» و «ع» و نویسه‌های «ن» و «ن» در زبان فارسی دشوار است.

مادری‌شان آلمانی است و در حال یادگیری زبان فارسی هستند. جمع‌آوری داده‌ها به صورت آنلاین از طریق ایمیل و چت با ۱۱۴ زبان‌آموز عضو در تارنماهای زبان‌آموزی^۱ و نیز دریافت املاها، انشاها و تکالیف ۳۴ زبان‌آموز از این مجموعه در طی سال ۸۸-۸۹ انجام شده است. در روش نمونه‌گیری، درصدی از یک جامعه به‌عنوان نماینده‌ی آن جامعه انتخاب می‌شود (دلاور، ۱۳۸۱: ۱۱۲) و در روش خودانگیخته، موضوعات ساده‌ای متناسب با سطح زبان‌آموزان به منظور نوشتن متن آزاد یا انشا (گله‌داری، ۱۳۸۷: ۳۴۵) مورد استفاده قرار می‌گیرد. از مجموع نوشته‌های این گروه تعداد ۸۵۰ خطا موسوم به خطاهای واجی (کشاورز، ۱۹۹۹؛ فیزیاک، ۱۹۸۱) گردآوری شده است. این نوع خطاها در سطح واژگان رخ می‌دهند و مربوط به نویسه‌ها و حروف آنها در واژه‌ها هستند.^۲ پس از جمع‌آوری داده‌ها، سعی شده است که تشخیص منشأ وقوع خطاها از طریق تشخیص خطاهای املائی-واجی، طبقه‌بندی، تحلیل و تعیین میزان بسامد آنها انجام شود.

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش با بررسی‌های انجام شده بر داده‌های گردآوری شده از متن‌های نوشتاری زبان‌آموزان آلمانی‌زبان، براساس فرایندهایی همچون جایگزینی، افزایش و منشأ خطاها (میان‌زبانی و درون‌زبانی) به تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازیم.

۱.۴. جایگزینی، افزایش، و حذف واکه‌ها

در این پژوهش سعی شده است که خطاهای املائی-واجی به دو گروه واکه و همخوان تقسیم شوند. خطاهای موجود در گروه واکه‌ها به جایگزینی واکه‌ی کوتاه [o] با واکه‌ی بلند [u]، واکه‌ی کوتاه [a] با واکه‌ی بلند [â]، و واکه‌ی کوتاه [e] با واکه‌ی بلند [i] دسته‌بندی شده‌اند. جدول‌های (۲) و (۳) این دسته‌بندی‌ها را بهتر نشان می‌دهد.

شش جمله‌ی نخست در جدول (۲) بیانگر آن دسته از خطاهایی است که زبان‌آموزان به جای نوشتن واکه‌ی کوتاه [o] از واکه‌ی بلند [u] استفاده کرده‌اند و شش جمله‌ی بعدی در همین جدول درست نقطه‌ی مقابل شش جمله‌ی نخست است؛ یعنی زبان‌آموزان به جای نوشتن واکه‌ی بلند [u] از واکه‌ی کوتاه [o]

^۱ تارنماهای زبان‌آموزی از جمله:

www.palabea.net

www.sprachforschung.org

www.bfds.de

www.wortschatz.uni-leipzig.de/abfrage

^۲ صفوی (۱۳۸۶: ۲۹) نشانه‌هایی را که در خط به‌کار می‌روند نویسه می‌نامد. میردهقان (۱۳۸۰: ۹۷) نیز از عناصر صورت نوشتار تحت عنوان «حرف» یاد می‌کند. در این مقاله نیز از دو اصطلاح یاد شده، در یک تعبیر استفاده می‌شود.

استفاده کرده‌اند. به عبارتی دیگر، فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان در کاربرد این دو واکه از «فرایند جایگزینی»^۱ استفاده کرده‌اند.

جدول ۲. خطاهای املايي-واجی در جایگزینی واکه‌ی کوتاه [o] و واکه‌ی بلند [u]

نمونه خطا	صورت بازسازی شده
۱- دوروق چوپان چه بود؟	دروغ چوپان چه بود؟
۲- اوردک در آب شنا مکنند.	اردک در آب شنا می‌کند.
۳- مامان اوملت دوس کرده.	مامان املت درست کرده است.
۴- بحار گول بر سر روزگار مرزد.	بهار گل بر سر روزگار می‌ریزد.
۵- جده خاکی کوچاس؟	جاده خاکی کجاست؟
۶- امروز دیدم تولو خورشید.	امروز طلوع خورشید را دیدم.
۷- امام در حزه علمی سخنرانی کرد.	امام در حوزه علمیه سخنرانی کرد.
۸- اگر دلت‌ها به مردوم متکی باشد مهکم و قوی خواهد بود.	اگر دولت‌ها به مردم متکی باشد، محکم و قوی خواهد بود.
۹- خنه مادر بزورگ باسافاست.	خانه مادر بزرگ باصفاست.
۱۰- مجنون اشغ لیلی بود.	مجنون عاشق لیلی بود.
۱۱- حوا رشان است.	هوا روشن است.
۱۲- او آنجا بد.	او آنجا بود.

جدول ۳. خطاهای املايي-واجی در جایگزینی واکه‌ی کوتاه [a] و واکه‌ی بلند [â]

نمونه خطا	صورت بازسازی شده
۱- او آدم خوبی است.	او آدم خوبی است.
۲- در تابستان مان به بلین سفر کرد.	تابستان من به برلین سفر کردم.
۳- اینجا هم داراختان سبز هستند.	اینجا همه درختان سبز هستند.
۴- خنه مادر بزورگ با سافاست.	خانه مادر بزرگ باصفاست.
۵- حوا رشان است.	هوا روشن است.
۶- جده خاکی کوچاس؟	جاده خاکی کجاست؟
۷- پنزدهم خرداد ایت الله خمینی (ره) دست گیر شد.	پانزدهم خرداد آیت الله خمینی (ره) دستگیر شد.
۸- کرگران خسته بودن.	کارگران خسته بودند.
۹- رزا بیکر است.	رضا بیکار است.

زبان‌آموزان در پنج جمله‌ی نخست جدول فوق، به جای نوشتن واکه‌ی کوتاه [a]، واکه‌ی بلند [â] را نوشته‌اند. دلیلی دیگر و مهم‌تر در بروز چنین خطاهایی ناشی از این است که در زبان آلمانی نقش واکه‌ی کوتاه [a] در برابر واکه‌ی بلند [â] از لحاظ تلفظ کم‌رنگ‌تر می‌شود؛ بنابراین، در بیشتر موارد به جای این که واکه‌ی کوتاه را تلفظ کنند، واکه‌ی بلند را تلفظ می‌کنند. این امر باعث می‌شود که آلمانی‌زبانان در

^۱. substitution process

نوشتار زبان فارسی، خطاهای مشابه چهار خطای نخست در جدول (۲) را مرتکب بشوند. چهار خطای بعدی جدول بالا نشان می‌دهد که زبان‌آموزان به جای نوشتن واکه‌ی بلند [â] از واکه‌ی کوتاه [a] در نوشتار استفاده کرده‌اند.

همانند نمونه‌های پیشین، در جایگزینی واکه‌ی کوتاه [e] با واکه‌ی بلند [i] که در جدول (۴) نشان داده شده است، فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان در نوشتن این واکه‌ها نیز به دلیل فرایند «جایگزینی نادرست» مرتکب خطا شده‌اند. بسامد خطاهای زبان‌آموزان در این دو واکه نسبت به واکه‌های قبلی، بسیار کمتر است.

جدول ۴. خطاهای املايي-واجي در جایگزینی واکه‌ی کوتاه [e] و واکه‌ی بلند [i]

نمونه خطا	صورت بازسازی شده
۱- یک کونفرانس در مورد افغانیستان دارم.	یک کونفرانس در مورد افغانستان دارم.
۲- مردوم سدایه چوپان را شنیدند.	مردم صدای چوپان را شنیدند.
۳- مینا با حیجاب است.	مینا با حجاب است.
۴- بحار گول بر سر روزگار مریزد.	بهار گل بر سر روزگار می‌ریزد.
۵- به سنما برویم.	به سینما برویم.
۶- پیروزی نزدیک است.	پیروزی نزدیک است.

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، زبان‌آموزان در سه جمله‌ی نخست، واکه‌ی بلند [i] را به جای واکه‌ی کوتاه [e] در نوشتار به کار برده‌اند و عکس این قضیه در سه جمله بعدی رخ داده است؛ بدین گونه که آنان واژه‌های نادرست «افغانیستان»، «شنیدند»، «حیجاب»، «مریزد»، «سنا» و «پیروزی» را به جای واژه‌های درست «افغانستان»، «شنیدن»، «حجاب»، «می‌ریزد»، «سینما» و «پیروزی» استفاده کرده‌اند. علت بروز چنین خطاهایی ناشی از درک شنیداری نادرست آنان است؛ یعنی آنان همانند واکه‌های قبلی، تفاوت بین این دو واکه را به خوبی نیاموخته‌اند. در نتیجه، این امر منجر به پیدایش چنین خطاهایی گشته است.

کشاورز (۱۹۹۹: ۷۵) فرایندهای جایگزینی، افزایش، حذف^۱ و ترتیب نادرست را در بروز چنین خطاهای واجی‌ای دخیل می‌داند. در نمونه خطاهایی که در سه جدول بالا بررسی شد، نقش «فرایند جایگزینی نادرست» در بروز خطاهای نوشتاری فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان در حوزه‌ی واکه‌ها آشکار گردید. در این جا علاوه بر «فرایند جایگزینی نادرست»، فرایندهای «افزایش» و «حذف» را بررسی خواهیم کرد. با توجه به مطالب گفته شده و همچنین براساس دسته‌بندی دوه‌دو بین واکه‌های کوتاه و بلند زبان فارسی می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین و پربسامدترین خطاهای نوشتاری فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان سطح

۱. omission

مقدماتی، خطاهایی است که در آنها واک‌های بلند و کوتاه به جای یکدیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ به عبارت دیگر، زبان‌آموزان هر دسته از واک‌ها را به جای یکدیگر «جایگزین» کرده‌اند. نمونه خطاهایی که در جدول‌های (۲)، (۳) و (۴) آورده شده‌اند این قضیه را ثابت می‌کنند. همان‌طور که از جدول‌ها پیدا است، این نوع خطاها به دو قسمت دیگر تقسیم می‌شوند؛ قسمت نخست، خطاهای نوشتاری‌ای است که زبان‌آموزان در تولید آنها به جای نوشتن «واک‌ی کوتاه» از «واک‌ی بلند» استفاده نموده‌اند؛ به دیگر بیان می‌توان گفت که زبان‌آموزان در این نوع از خطاها علاوه بر فرایند «جایگزینی»، به دلیل فرایند «افزایش» نیز خطاهایی مرتکب شده‌اند؛ مثلاً نوشتن واژه‌هایی از قبیل «مان» به جای «من»، «مردوم» به جای «مردم» و «افغانیستان» به جای «افغانستان» نمونه‌های بارزی از این دسته خطاها هستند که به علت فرایندهای «جایگزینی نادرست» و «افزایش» اتفاق می‌افتد. یکی دیگر از دلایل بروز خطا از طریق فرایند «افزایش» ناشی از این امر است که هیچ نشانه‌ی نوشتاری‌ای برای واک‌های کوتاه در زبان فارسی وجود ندارد.

قسمت دوم، خطاهایی هستند که درست نقطه‌ی مقابل خطاهای قسمت نخست واقع شده‌اند؛ به عبارتی دیگر، خطاهایی که زبان‌آموزان در طی آنها، واک‌های کوتاه را به جای واک‌های بلند به کار برده‌اند. آنها در ارتکاب چنین خطاهایی علاوه بر فرایند «جایگزینی» از طریق فرایند «حذف» نیز عمل کرده‌اند. واژگان خطاداری مثل «بیکر» به جای «بیکار»، «مجنن» به جای «مجنون»، و «پروزی» به جای «پیروزی» دلیل خوبی برای اثبات این قضیه است. هاشم‌زاده (۱۳۸۷: ۴۳۰) درباره‌ی فرایندهای «حذف» و «افزایش» در تولید خطاهای املایی زبان‌آموزان، چنین استدلال می‌کند که «برخی زبان‌آموزان هنگام نوشتن املا، یک یا چند حرف را از کلمه‌های مختلف حذف می‌کنند و برعکس، برخی دیگر یک یا چند حرف به آن واژه‌ها اضافه می‌کنند. این امر بر اثر ضعف تشخیص شنیداری حاصل می‌شود».

همچنین، فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان از طریق فرایند «افزایش»، خطاهایی را در واک‌های زبان فارسی به وجود آورده‌اند؛ مثلاً آنان به خاطر تداخل زبان مادری، قوانین حاکم بر واک‌های کوتاه و بلند زبان آلمانی را به زبان فارسی انتقال داده‌اند؛ مثلاً در زبان آلمانی، حرف [h] در میان واک‌های [e] تلفظ نمی‌شود، اما باعث کشیده شدن واک‌ی [e] ماقبل خود می‌شود؛ به عبارت دیگر، واک‌ی [e] تقریباً صدای [i] می‌دهد؛ مانند واژه‌ی /gehen/ که به معنای «رفتن» است به صورت /giyen/ تلفظ می‌شود. از این‌رو، برخی از آلمانی‌زبانان فارسی‌آموز به تبعیت از چنین قانونی، واژه‌ای مانند «حجاب» را «حیجاب» تلفظ می‌کنند و می‌نویسند.

بر این اساس، می‌توان چنین گفت که کاربرد «واک‌های کوتاه» به جای «واک‌های بلند» نشان‌دهنده‌ی فرایند «افزایش»، و کاربرد «واک‌های بلند» به جای «واک‌های کوتاه» نمایانگر فرایند «حذف» در بروز خطا در نگارش است.

۲.۴. خطاهای میان‌زبانی: تأثیر زبان دوم

ضیاحسینی (۱۹۹۴: ۱۱۶) از خطاهایی که منشأ اصلی پیدایش آنها زبان دوم است به‌عنوان خطاهای میان‌زبانی یاد می‌کند. بر این اساس، خطاهایی که در این جا منشأ تولید آنها زبان فارسی است از این دسته خطاها به شمار می‌آیند. خطاهای املايي-واجي ناشی از دشواری‌ها و پیچیدگی‌های خط و نظام نوشتاری فارسی باعث می‌شوند که یادگیرندگان این زبان از جمله آلمانی‌زبانانِ فارسی‌آموز در سطح مقدماتی به دور از خطا نباشند. در ادامه، فرایندهای واجي با منشأ میان‌زبانی در چهار قسمت شامل «جایگزینی نویسه»، «افزایش نویسه»، «کاهش (حذف) نویسه» و «ترتیب نادرست نویسه»، همراه با نمونه خطاهای گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل واقع می‌شوند.

۱.۲.۴. فرایند جایگزینی نویسه

در این فرایند، نویسه‌ای نادرست به جای نویسه‌ی درست نگاشته شود. در زبان فارسی، نویسه‌هایی که صدای مشترک دارند، نویسه‌های نقطه‌دار، و نویسه‌های دارای شباهت‌های ظاهري ظریف، در این فرایند دخیل هستند و باعث به وجود آمدن خطاهایی می‌شوند که برخی از آنها به‌عنوان نمونه در جدول (۵) ذکر شده‌اند.

جدول ۵. خطاهای املايي-واجي ناشی از فرایند جایگزینی نادرست نویسه

نمونه خطا	صورت بازسازی شده	نمونه خطا	صورت بازسازی شده
۱- چوپان موازبه گله بود.	۱۲- ارز کردم مسافر می‌باشم.	عرض کردم مسافر می‌باشم.	۱- چوپان موازبه گله بود.
۲- مینا لبوی لژی‌زی پزید.	۱۳- اروسی پروین نزدیک است.	عروسی پروین نزدیک است.	۲- مینا لبوی لژی‌زی پزید.
۳- بانک زامن متبر می‌خاهد.	۱۴- همید کجا می‌روی؟	حمید کجا می‌روی؟	۳- بانک زامن متبر می‌خاهد.
۴- پایز برگ درختها ذرد می‌شود.	۱۵- حمت ینی اراده.	همت یعنی اراده.	۴- پایز برگ درختها ذرد می‌شود.
۵- سروت ذیادی داری؟	۱۶- پتر هست سادمان از یادگیری فارسی	پتر از این که فارسی یاد می‌گیرد، شادمان است.	۵- سروت ذیادی داری؟
۶- مصخره کردن نیست کار من.	۱۷- ماهی کوچولو زود سنا کرد.	ماهی کوچولو سریع شنا کرد.	۶- مصخره کردن نیست کار من.
۷- امام خمینی در جهان تسیر نهاد.	۱۸- پدر بوزرگ در نشاپور ضندگی می‌کرت.	پدر بوزرگ در نشاپور زندگی می‌کرد.	۷- امام خمینی در جهان تسیر نهاد.
۸- طرفداره ازادی هستم.	۱۹- تفنگ زسه خترناک بود برای ان سرباز.	تفنگ ژسه برای آن سرباز خطرناک بود.	۸- طرفداره ازادی هستم.
۹- طفنن ینی سرگرمی.	۲۱- در اگرام گفته شد که صمیر به کار ببرید.	در امتحان گفته شده بود که ضمیر به کار ببرید.	۹- طفنن ینی سرگرمی.
۱۰- او مردم را از یاده خدا قافل نساخت.	۲۲- در لیوان کمی آپ هست.	در لیوان کمی آب هست.	۱۰- او مردم را از یاده خدا قافل نساخت.
۱۱- یک کونفرانس در مورد افغانیستان دارم			۱۱- یک کونفرانس در مورد افغانیستان دارم

در تحلیل داده‌های جدول فوق، نکته‌های زیر را می‌توان بیان نمود:

- ۱) خطاهای املایی-واجی از شماره‌ی ۱ تا ۴ به دلیل جایگزینی نادرست نویسه‌های (ز، ذ، ض، ظ)، متعلق به آوای [z] صورت گرفته است.
- ۲) خطاهای املایی-واجی از شماره‌ی ۵ تا ۷ به دلیل جایگزینی نادرست نویسه‌های (س، ص، ث)، متعلق به آوای [s] صورت گرفته است.
- ۳) خطاهای شماره‌های ۸ و ۹ به دلیل جایگزینی نادرست دو نویسه‌ی (ت، ط)، متعلق به آوای [t] صورت گرفته است.
- ۴) خطاهای شماره‌های ۱۰ و ۱۱ نیز به دلیل جایگزینی نادرست دو نویسه‌ی (ق، غ) متعلق به آوای [q] صورت گرفته است.
- ۵) زبان‌آموز در شماره‌های ۱۲ و ۱۳، نویسه‌ی (ا) را جایگزین نویسه‌ی (ع) نموده و بدین ترتیب مرتکب خطا شده است.
- ۶) در شماره‌های ۱۴ و ۱۵ نیز نویسه‌های متعلق به آوای [h] که شامل (ح، ه، ه) هستند جایگزین یکدیگر شده‌اند.
- ۷) از شماره‌ی ۱۶ تا ۲۲ نیز خطا به دلیل جایگزینی و جابجایی نویسه‌های نقطه‌دار زبان فارسی با یکدیگر است.

هاشم‌زاده (۱۳۸۷: ۴۳۳) برای رفع این مشکل، املای تصویری را توصیه می‌کند؛ بدین مفهوم که هر دسته از واژه‌ها که نویسه‌های ویژه‌ی خود را دارند بر روی تصاویر و یا کارت نوشته می‌شوند و در کلاس درس نیز نصب می‌گردند. در نتیجه، زبان‌آموزان همیشه این نوع واژه‌ها را می‌بینند و با آنها به‌طور کامل آشنا می‌شوند و صورت تصویری این واژه‌ها را به ذهن می‌سپارند. نهایتاً، بسیاری از خطاهای آنان در این زمینه رفع خواهد شد. درباره‌ی رفع خطاهای ناشی از نویسه‌های نقطه‌دار زبان فارسی هاشم‌زاده (۱۳۸۷: ۴۳۵) می‌گوید که «املایی را به صورت تایپ شده و بدون نقطه، بدون تشدید، بدون سرکش و یا متنی از کلمات ناقص، به دانش‌آموزان ارائه کنید تا آنان پس از خواندن متن، نقطه، تشدید و سرکش را در جای مناسب بگذارند و یا کلمات آن را تکمیل کنند».

مشکوه‌الدینی (۱۳۷۹: ۱۶۶-۱۶۵) نیز مشخصه‌هایی از قبیل نقطه‌دار بودن حروف در بالا و یا زیر آنها، تعداد نقطه، گوشه داشتن یا نداشتن حروف، گرد بودن بخشی از حرف، دندان‌دار بودن و یا نبودن آن، تعداد دندان‌ها و سرکش بودن یا نبودن حروف را از عواملی به شمار می‌آورد که موجب غلط خواندن و غلط نوشتن در کودکان می‌شود. وی با بیان نظر گارتون و پرت (۱۹۸۹) چنین استدلال می‌کند که برای رفع اشتباه گرفتن حروف با یکدیگر یا غلط خواندن آنها لازم است توجه کودکان به مشخصه‌های معتبر حروف جلب

شود. برای شناسایی و تسلط بر مشخصه‌های معتبر حروف، دادن تمرین‌های مناسب به آنان بسیار موثر است. بنابراین، لازم است ویژگی‌ها و مشخصه‌های تمایزدهنده‌ی حروف به آنها آموخته شود.

۲,۲,۴. فرایند افزایش نویسه

زبان‌آموزان گاهی در نگارش واژه، نویسه یا نویسه‌هایی را به آن می‌افزایند و این می‌تواند ناشی از تلفظ نادرست آنها و دلایل دیگری باشد که پس از مشاهده‌ی نمونه خطاهای جدول (۶)، علت وقوع‌شان بررسی می‌شود.

جدول ۶. خطاهای املايي-واجي ناشی از فرایند افزایش نادرست نویسه

نمونه خطا	صورت بازسازی شده
۱- دوروق چوپان چه بود؟	دروغ چوپان چه بود؟
۲- اوردک در آب شنا میکند.	اردک در آب شنا می‌کند.
۳- مامان اوملت دورس کرده.	مامان املت درست کرده است.
۴- بحار گول بر سر روزگار مرزد.	بهار گل بر سر روزگار می‌ریزد.
۵- اینجا هم داراختان سبز هستند.	اینجا همه درختان سبز هستند.
۶- خنه مادر بزورگ با سافاست.	خانه مادر بزرگ باصفاست.
۷- حوا رشان است.	هوا روشن است.
۸- مردوم سدایه چوپان را شینیدن.	مردم صدای چوپان را شنیدند.
۹- مینا باحیجاب است.	مینا باحجاب است.
۱۰- خوانواده جانسون در کانادا رفتن.	خانواده جانسن به کانادا رفتند.
۱۱- بارخواست و رفت.	برخواست و رفت.
۱۲- موازبه خودت باش!	مواظب خودت باش!
۱۳- تخمه مرق شیکست.	تخم مرغ شکست.
۱۴- مینای صفری فیزیک خوانده.	مینا صفری فیزیک خوانده است.
۱۵- او مردم را از یاده خدا قافل نساخت.	او مردم را از یاد خدا غافل نساخت.

با توجه به جدول (۶) می‌توان نکات زیر را بیان کرد:

(۱) از خطای شماره‌ی ۱ تا شماره‌ی ۴، افزایش نادرست نویسه‌ی (و) [u] صورت گرفته است و زبان‌آموز در وهله‌ی نخست، به جای تلفظ آوای [o]، آوای [u] را تلفظ نموده و چنین تلفظ نادرستی منجر به بروز چنین خطاهایی شده است.

۲) خطاهای شماره‌ی ۵ تا شماره‌ی ۷ نیز به دلیل عدم تشخیص درست زبان‌آموز از آوای [a] و [â] صورت گرفته است.

۳) عدم تشخیص آوای [I] و [e] توسط فارسی‌آموز منجر به بروز خطاهای شماره‌ی ۸ و شماره‌ی ۹ شده است.

بنابراین، با توجه به خطاهای شماره‌ی ۱ تا ۹ می‌توان گفت که خطاهایی که در آنها یک فارسی‌آموز به جای تلفظ واژه‌های کوتاه از معادل بلند آنها استفاده می‌نماید، به علت فرایند افزایش نادرست نویسه در نوشتار به وجود می‌آیند.

۴) زبان‌آموز در شماره‌ی ۱۰ و شماره‌ی ۱۱ به جای واژه‌های درست «خانواده» و «برخواست» از واژه‌های نادرست «خوانواده» و «برخواست» استفاده کرده است؛ بدان معنا که نویسه‌ی «و» را به هر یک از واژه‌ها افزوده است. بروز چنین خطایی از آن جا ناشی می‌شود که در زبان فارسی، واژگانی از قبیل «خواهر»، «خویش» و «خواب» وجود دارد که در آنها حرف «و» نوشته می‌شود، اما خوانده نمی‌شود؛ بنابراین، زبان‌آموز به اشتباه تصور کرده که این دو واژه نیز همانند واژگانی مانند «خواهر»، «خویش» و «خواب» است. چنین خطاهایی که بر اثر تصورات و اشتباهاتی از این دسته رخ می‌دهند، به «تعمیم افراطی» معروف هستند.

۵) دیگر خطاهای به وقوع پیوسته (از شماره‌ی ۱۲ تا شماره‌ی ۱۵) به دلیل نوشتن «واج میانجی» ملفوظ میان مضاف و مضاف‌الیه و یا صفت و موصوف است؛ البته چنین خطاهایی افزون بر منشأ میان‌زبانی ممکن است منشأ درون‌زبانی نیز داشته باشند؛ زیرا در زبان آلمانی در اغلب موارد آنچه تلفظ می‌شود، همان‌طور هم نگاشته می‌شود؛ در حالی که در نظام نوشتاری زبان فارسی چنین قانونی وجود ندارد. به عبارتی، در زبان فارسی میان آوا و نویسه رابطه‌ی هماهنگ و یک‌به‌یک وجود ندارد.

۳،۲،۴. فرایند کاهش نویسه

گاهی زبان‌آموزان در نگارش واژه، نویسه و یا نویسه‌هایی را از قلم می‌اندازند و این می‌تواند از دلایل متعددی ناشی گردد که در ادامه بدان پرداخته می‌شود. در جدول (۷) نمونه خطاهایی از این دسته ذکر شده است.

جدول ۷. خطاهای املائی-واجی ناشی از فرایند کاهش نادرست نویسه

نمونه خطا	صورت بازسازی شده
۱- اگر دلتهها به مردوم متکی باشد مهکم و قوی خواهد بود.	اگر دولت‌ها به مردم متکی باشند، محکم و قوی خواهند بود.
۲- جده خاکی کوچاس؟	جاده خاکی کجاست؟
۳- به سینما برویم.	به سینما برویم.
۴- یک گجشک در دست بهتر از هزار کبوترها در حوا	یک گنجشک در دست بهتر از هزاران کبوتر در آسمان است.
۵- مردوم به خاطر دروغ چوپان ضر کردند.	مردم به خاطر دروغ چوپان ضر کردند.
۶- خاهش می‌کنم آرام باشید.	خواهش می‌کنم آرام باشید.
۷- آیا او هیچ خاهر دارد.	آیا او هیچ خواهری ندارد.
۸- دانیال زود خوابید.	دانیال زود خوابید.

۱) سه خطای نخست در جدول به دلیل آن است که زبان آموز در واژه‌های پرتنگ شده، به جای تلفظ درست واژه‌های بلند [u]، [â] و [I] به ترتیب از واژه‌های نادرست کوتاه [a]، [o] و [e] استفاده نموده و چنین جایگزینی نادرستی در تلفظ، موجب پیدایش چنین خطاهایی از جانب وی در نوشتار گردیده است.

۲) خطای شماره ۴ به دلیل حذف نویسه‌ی «ن» در واژه‌ی «گنجشک» صورت گرفته است. این واژه از لحاظ تلفظ برای زبان آموز سخت بوده و او نمی‌تواند چنین واژه‌ای را به درستی تلفظ نماید و یا بشنود؛ به همین خاطر مرتکب چنین خطایی گردیده است.

۳) زبان آموز در خطای شماره ۵ نیز نویسه‌ی «ر» را در واژه‌ی «ضرر» از قلم انداخته است. ۴) در شماره‌های (۶، ۷ و ۸) با حذف نویسه‌ی ناملفوظ «و» و یا به عبارتی «واو معدوله» مواجه هستیم؛ بدین ترتیب که زبان آموز واژه‌هایی از قبیل «خواهش»، «خواهر» و «خوابید» را به خطا «خاهش»، «خاهر» و «خابید» نوشته و این به آن دلیل است که چنین نویسه‌ای را گاهی نباید تلفظ نمود.

هاشم‌زاده (۱۳۸۷: ۲۲۸) در مورد علت بروز این نوع خطاها چنین استدلال می‌کند که «برخی از زبان-آموزانی که دچار ناتوانی در نوشتن املا هستند، آنچه را می‌شنوند به صورت تحت‌اللفظی می‌نویسند. این قبیل افراد توانایی به‌کارگیری تعمیم‌های رابطه‌ی آواها با حروف را کسب نکرده‌اند و در تشکیل تصاویر صحیح دیداری کلمه‌ها در ذهن خود به آموزش‌های جبرانی نیاز دارند».

۴,۲,۴. فرایند ترتیب نادرست نویسه

این نوع خطا بیشتر در مورد واژه‌هایی رخ می‌دهد که در آن واژه‌ها، نویسه‌هایی که از لحاظ ظاهری بسیار شبیه به یکدیگر هستند، تقریباً در کنار یکدیگر قرار دارند.

جدول ۸. خطاهای املائی-واجی ناشی از فرایند ترتیب نادرست نویسه

نمونه خطا	صورت بازسازی شده
۱- ورزش کاران مدال طلا گرفتن.	ورزشکاران مدال طلا گرفتند.
۲- دستان‌مان سشتیم.	دستان‌مان را شستیم.
۳- گارگران بیکرند.	کارگران بیکارند.
۴- وادرات ایران را بگو!	واردات ایران را بگو!
۵- در ووردی کجاس؟	در ورودی کجاست؟

در خطای شماره‌ی ۱ در جدول بالا، زبان‌آموز در نوشتن واژه‌ی «ورزشکار» نویسه‌های «ر» و «ز» را با یکدیگر به صورت جایجا استفاده نموده است و بدین گونه، واژه‌ی نادرست «ورزش‌کار» را تولید کرده است. در خطای شماره‌ی ۲ نیز نویسه‌های «ش» و «س» جایجا شده‌اند. جایجایی نویسه‌های «ک، گ»، «ر، د» و «ر، و» به ترتیب در دیگر نمونه‌ها منجر به تولید خطاهایی در این حوزه شده است.

هاشم‌زاده (۱۳۸۷: ۴۳۰) بروز چنین خطاهایی را ناشی از ضعف حافظه‌ی حرکتی می‌داند و برای رفع این مشکل این گونه بیان می‌کند که «برای کاهش میزان خطاهای ناشی از ضعف در هر یک از حافظه‌ها، از آزمودنی‌ها بخواهید هنگام نوشتن املا با دقت گوش کنند و کلمات و توالی آنها را تشخیص دهند. سپس با کمی تأمل، صورت صحیح آنها را به خاطر بیاورند و با رعایت توالی درست و با آرامش خاطر اقدام به نوشتن کنند».

۳,۴. خطاهای درون‌زبانی: تداخل زبان مادری

ضیاحسینی (۱۹۹۴: ۱۱۶) خطاهایی را که تحت تأثیر زبان مادری به وجود می‌آیند، خطاهای درون‌زبانی و یا تداخلی می‌نامد. در این جا نیز خطاهایی که تحت تأثیر زبان آلمانی هستند و به علت تفاوت بین نظام نوشتاری دو زبان، اعمال قواعد نظام نوشتاری زبان آلمانی بر زبان فارسی و ناهماهنگی‌های آواهای حاکم بر نویسه‌های دو زبان به وجود آمده‌اند مورد تجزیه و تحلیل واقع می‌شوند. در جدول شماره‌ی ۹ نمونه خطاهای درون‌زبانی درج گردیده است. لازم است که بدانیم در خطاهای زیر فرایند جایگزینی نادرست نویسه نیز نقش دارد.

جدول ۹. خطاهای درون‌زبانی (خطاهای تحت تأثیر زبان آلمانی)

نمونه خطا	صورت بازسازی شده
۱- دامات از پایان بود.	داماد اهل ژاپن بود.
۲- قذا چی شت؟	غذا چی شد؟
۳- دانشجوی زرنگ در کلاس آمت.	دانشجوی زرنگ به کلاس آمد.
۴- ان نسل بایمان شما هسدیت.	آن نسل با ایمان شما هستید.
۵- در لیوان کمی اپ هست.	در لیوان کمی آب هست.
۶- شیفاز شر و ادب هس.	شیراز شهر شعر و ادب هست.
۷- شیفاز مرکز پارسها بود.	شیراز مرکز پارسها بود.
۸- زافا به کیندرگارتن می‌رود.	سارا به کودکستان می‌رود.
۹- توریزت آدمم اینجا.	اینجا به عنوان توریست آمده‌ام.
۱۰- بلین پای‌تخت المان است.	برلین پایتخت آلمان است.
۱۱- خاهر من یاپانی بلد است.	خواهر من ژاپنی بلد است.
۱۲- ستارها چشمک می‌زدند و می‌رخصیدن.	ستاره‌ها چشمک می‌زدند و می‌رقصیدند.
۱۳- وختی ملم آمد همه برخاستند.	وقتی معلم آمد همه برخاستند.

نکاتی در مورد خطاهای موجود در جدول (۹):

۱) از خطای شماره‌ی ۱ تا شماره‌ی ۴، علت بروز خطا به دلیل تداخل ویژگی آوایی [d] از زبان آلمانی به زبان فارسی است؛ زیرا این واج در پایان واژه‌های زبان آلمانی واک خود را از دست می‌دهد و در نتیجه [t] تلفظ می‌گردد. مثل واژه‌ی /kleid/ (پیراهن) به صورت /kelayt/ تلفظ می‌شود. در نتیجه، فارسی‌آموز آلمانی‌زبان این قانون را در زبان فارسی اعمال می‌کند و چنین خطاهایی را مرتکب می‌شود.

۲) در نمونه شماره‌ی ۵ نیز همانند چهار خطای نخست، خطای کاربردی رخ داده است؛ بدین معنا که در زبان آلمانی، اگر واج [b] در پایان واژه بیاید، بی‌واک می‌شود و به صورت [p] تلفظ می‌شود؛ به همین دلیل زبان‌آموز به جای واژه‌ی «آب» از «اپ» استفاده کرده است.

۳) خطاهای موجود در نمونه خطاهای شماره‌ی ۶ و ۷ در جدول بالا به علت استفاده از واژه‌ی «شیقاز» به جای «شیراز» از جانب زبان‌آموز است؛ علت وقوع چنین خطایی این است که در زبان آلمانی، واج [r] در آغاز هجای یک واژه به صورت غلتان، یعنی [q]، تلفظ می‌شود.

۴) علت تولید خطاهای شماره‌ی ۸ و شماره‌ی ۹ به این دلیل است که در زبان آلمانی، واج [s] در ابتدای یک واژه به صورت [z] تلفظ می‌شود. بنابراین، فارسی‌آموز آلمانی‌زبان در این مورد، مثل

دیگر موارد، قوانین آوایی زبان آلمانی را بر زبان فارسی اعمال کرده است و واژه‌ی «سارا» را «زاقا» نوشته است.

۵) در خطای شماره‌ی ۱۰ فارسی‌آموز آلمانی‌زبان همانند دیگر موارد از تداخل زبان مادری استفاده کرده و «برلین» را طبق تلفظ آلمانی آن «بلین» نوشته است.

۶) فارسی‌آموز آلمانی‌زبان در شماره‌ی ۱۱ واژه‌ای مانند «ژاپن» را به قیاس از تلفظ آلمانی آن، «یاپان» تلفظ کرده و چنین تلفظ نادرستی را در نوشتار نیز به کار برده است. کشاورز (۱۹۹۴: ۷۹) نیز در حوزه‌ی واجی، عامل اصلی این گونه از خطاها را عدم مطابقت حرف (واکه یا همخوان) در زبان مادری می‌داند.

۷) آواهای نویسه‌های فارسی «خ»، «ق» و «غ» متعلق به آواهای ملازی^۱ هستند، اما زبان آلمانی فاقد آواهای ملازی است و معادل این آواها در زبان آلمانی به صورت نرم‌کامی^۲ تولید می‌شود. از آن‌جا که آواهای نام‌برده مثل دیگر آواهای هم‌واج‌گاهی دارای یک واج‌گاه مشترک هستند، آلمانی‌زبانان فارسی‌آموز خطاهایی را در این زمینه مرتکب شده‌اند؛ نمونه خطاهای مربوط به شماره‌های ۱۲ و ۱۳ حاکی از این امر است.

۴.۴. بسامد وقوع خطاهای املائی-واجی

به دنبال شناسایی و تجزیه و تحلیل خطاها در نوشته‌های فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان، در این بخش از تحقیق به تعیین بسامد وقوع آنها به منظور ایجاد کارکرد آموزشی مطلوب در زبان فارسی پرداخته می‌شود.

گله‌داری (۱۳۸۷: ۳۵۰) بر این باور است که با شناسایی میزان وقوع خطاها، نقاط ضعف زبان‌آموزان بارزتر می‌گردد؛ بنابراین، شناسایی نقاط ضعف آنها می‌تواند با به‌کارگیری راهکارهای مناسب از جانب مدرسان زبان در راستای کمک به زبان‌آموز مورد استفاده قرار گیرد.

در بخش پیش رو، نتایج و بسامد خطاهای نوشتاری فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان در سطح مقدماتی با توجه به خطاهای تولیدی آنها در حوزه‌ی املائی-واجی مطابق با تقسیم‌بندی کشاورز (۱۹۹۹: ۷۵) ارائه می‌گردد. خطاهای نوشتاری این دسته از زبان‌آموزان مشتمل بر ۸۹۰ مورد است که نمونه‌هایی از آن در جدول‌های مربوطه به همراه صورت بازسازی شده‌ی آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۱. uvular
۲. velar

خطاهای املايي-واجي در این جا در دو بخش واکه و همخوان بررسی شده‌اند. در جدول زیر درصد و بسامد وقوع خطاهای نوشتاری در این دو مقوله نسبت به کل خطاهای املايي-واجي تولید شده براساس بسامد محاسبه شده است.

جدول ۱۰. بسامد وقوع خطاهای املايي-واجي

نوع خطا	بسامد خطا	درصد از کل خطاها
همخوان‌ها	۴۹۰	۵۵,۰۵٪
واکه‌ها	۴۰۰	۴۴,۹۵٪

۱,۴,۴. خطاهای املايي-واجي در بخش واکه‌ها

در این پژوهش، خطاهای مربوط به حوزه‌ی واکه‌ها در سه گروه از واکه‌های کوتاه و بلند فارسی تجزیه و تحلیل شدند. علاوه بر آن، خطاهای تولید شده در این حوزه براساس تقسیم‌بندی دیگری از کشاورز (۱۹۹۹) در سه فرایند «جایگزینی واج»، «افزایش واج» و «حذف واج» بررسی شد. فرایند جایگزینی نادرست واج به عنوان پربسامدترین فرایند، دیگر فرایندها را نیز شامل می‌شود؛ بدین گونه که در خطاهای تولید شده‌ی ناشی از فرایندهای افزایش واج و حذف واج، فرایند جایگزینی واج نیز دخیل بوده است. بسامد و درصد وقوع خطاهای مربوط به حوزه‌ی واکه‌ها به ترتیب بسامد و در مقایسه با دیگر خطاهای نوشتاری حوزه‌ی واکه‌ها در دو جدول زیر بیان شده است.

جدول ۱۱. بسامد وقوع خطا در حوزه‌ی واکه‌ها

نوع خطای واکه‌ای	بسامد خطا	درصد از کل خطاهای واکه‌ای
واکه‌های [u] و [o]	۱۸۰	۴۵٪
واکه‌های [a] و [â]	۱۲۰	۳۰٪
واکه‌های [e] و [i]	۱۰۰	۲۵٪

جدول ۱۲. بسامد فرایندها در بروز خطاهای حوزه‌ی واکه‌ها

نوع فرایند	بسامد خطا	درصد از کل خطاهای واکه‌ای
جایگزینی واج	۴۰۰	۱۰۰٪
افزایش واج	۲۱۴	۵۳,۵٪
حذف واج	۱۸۶	۴۶,۵٪

۲،۴،۴. خطاهای املایی-واجی در بخش همخوان‌ها

در حوزه‌ی همخوان‌ها، ۴۹۰ مورد از خطاهای فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان مربوط به کاربرد نادرست همخوان‌های زبان فارسی است که براساس تقسیم‌بندی کشاورز (۱۹۹۹: ۷۵)، به ترتیب بسامد وقوع همخوان‌ها، در چهار فرایند «جایگزینی واج»، «حذف واج»، «افزایش واج» و «ترتیب نادرست واج» طبقه‌بندی شده‌اند. بسامد و درصد وقوع فرایندهای مورد بررسی نسبت به کل خطاهای حوزه‌ی همخوان‌ها به ترتیب بسامد در جدول زیر نشان داده شده است. شایان ذکر است که پربسامدترین فرایند یعنی «جایگزینی نادرست واج» در حوزه‌ی همخوان‌ها تا حد بسیار زیادی دیگر فرایندها را نیز شامل می‌شود.

جدول ۱۳. بسامد فرایندها در بروز خطاهای حوزه‌ی همخوان‌ها

نوع فرایند	بسامد خطا	درصد از کل خطاهای همخوانی
جایگزینی واج	۴۰۰	۸۱،۶۳٪
افزایش واج	۱۲۰	۲۴،۴۸٪
حذف واج	۱۰۰	۲۰،۴۰٪
ترتیب نادرست واج	۷۰	۱۴،۲۸٪

براساس اطلاعات مندرج در جدول‌های بالا و همچنین جدول‌های مربوط به خطاهای حوزه‌ی واکه‌ها، پربسامدترین فرایندهای مرتبط با خطاهای املایی-واجی فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان در سطح مقدماتی به ترتیب عبارتند از: جایگزینی نادرست واج، افزایش واج، حذف واج، ترتیب نادرست واج. در جدول زیر، درصد و بسامد وقوع خطاهای مربوط به نویسه‌های یک واج (حروف هم‌آوا) محاسبه و ارائه شده است.

جدول ۱۴. بسامد وقوع خطاهای مربوط به نویسه‌های یک واج (حروف هم‌آوا)

نوع خطا	بسامد خطا	درصد از کل خطاهای واکه‌ای
نویسه‌های (ز ذ ض ظ)	۹۸	۹۵،۱۴٪
نویسه‌های (س ص ش)	۷۹	۷۶،۶۹٪
نویسه‌های (ت ط)	۷۰	۶۷،۹۶٪
نویسه‌های (ق غ)	۵۹	۵۷،۲۸٪
نویسه‌های هم‌آوا با حرف (ع)	۴۳	۴۱،۷۴٪
نویسه‌های (ح ه ه)	۴۱	۳۹،۸۰٪

۳،۴،۴. بسامد وقوع خطاهای واجی از نظر منشأ وقوع

در این بخش تعداد و بسامد وقوع ۸۹۰ خطای واجی پیکره‌ی زبانی از نقطه‌نظر منشأ وقوع و نیز فرایندهای چهارگانه‌ی حاکم بر آنها در جدول‌های (۱۵) و (۱۶) ارائه شده است.

جدول ۱۵. بسامد وقوع منشأ خطاها

منشأ خطاها	بسامد خطا	درصد از کل خطاها
میان‌زبانی	۶۷۲	۷۵،۵۱٪
درون‌زبانی	۲۱۸	۲۴،۴۹٪
مجموع	۸۹۰	۱۰۰٪

در جدول (۱۶) بسامد وقوع فرایندهای واجی در پیدایش خطاها محاسبه شده است. لازم به ذکر است که فرایند جایگزینی نادرست واج به‌عنوان پربسامدترین فرایند که، در برخی از نویسه‌ها (اغلب در واکه‌ها) رخ می‌دهد، دو فرایند دیگر را نیز در بر دارد.

جدول ۱۶. بسامد وقوع فرایندهای واجی در بروز خطاها

نوع فرایند	بسامد خطا	درصد
جایگزینی نویسه	۶۷۱	۷۵،۳۹٪
افزایش نویسه	۳۱۶	۳۵،۵۰٪
کاهش نویسه	۲۶۸	۱۱،۳۰٪
ترتیب نادرست نویسه	۲۵	۰،۲،۸۰٪

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر ابتدا به شناسایی و تجزیه و تحلیل خطاها در نگارش فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان با توجه به طبقه‌بندی‌های فیزیکی (۱۹۸۱)، کشاورز (۱۹۹۹) و ضیاحسینی (۱۹۹۴) پرداخته شد؛ سپس بسامد وقوع و منشأ خطاها در بخش همخوان‌ها و واکه‌ها تعیین شد. نتایج اصلی به دست آمده در این پژوهش عبارتند از: الف) خطاهایی که تحت تأثیر خط و نظام نوشتاری زبان فارسی (۷۵،۵۱٪) تولید می‌شوند بیشتر از خطاهایی هستند که تحت تأثیر خط و نظام نوشتاری زبان آلمانی هستند (۲۴،۴۹٪)؛ به عبارت دیگر، خطاهای میان‌زبانی (که عامل اصلی پیدایش آنها زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم است) نسبت به خطاهای درون‌زبانی (که عامل اصلی پیدایش آنها زبان مادری یعنی آلمانی است) از بسامدی بالاتری برخوردار هستند.

ب) فرایندهای واجی چهارگانه‌ای که در پیدایش خطاهای املائی-واجی نقش دارند، به ترتیب عبارتند از «جایگزینی نادرست نویسه»، «افزایش نادرست نویسه»، «کاهش نادرست نویسه» و «ترتیب نادرست نویسه».

تحقیق کنونی بیانگر آن است که منشأ خطاهایی که براساس فرایندهای چهارگانه‌ی مذکور به وجود آمده‌اند، میان‌زبانی است؛ بدین‌گونه که زبان فارسی و دشواری و پیچیدگی‌های خط و نظام نوشتاری این زبان، منجر به تولید این دسته از خطا گردیده است و خطاهای درون‌زبانی که نسبتاً از بسامد وقوع کمتری برخوردار هستند، صرفاً به خاطر تداخل قواعد نظام نوشتاری زبان آلمانی در زبان فارسی است به‌وجود آمده‌اند.

همچنین، بسیاری از خطاهای فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان در نگارش حروف زبان فارسی با منشأ زبان آلمانی، مربوط به ضعف شنیداری آنها است؛ همان‌گونه که هاشم‌زاده (۱۳۸۷: ۴۲۹) نیز ریشه‌ی اغلب خطاهای املائی زبان‌آموزان را در درک شنیداری آنان می‌داند. بر این اساس، در برخورد با خطاهای واکه‌ای می‌توان به تأکید مدرسان زبان فارسی بر خواندن و تکرار واکه‌های زبان فارسی هم به صورت مجزا و هم به صورت کاربرد در واژگان اشاره کرد که از این طریق می‌توان بر ضعف شنیداری زبان‌آموزان غلبه کرد. به همین دلیل، تسلط نوشتاری بر واکه‌ها در نوشتن واژه‌های زبان فارسی نیز افزایش می‌یابد. از آن‌جا که تلفظ هر دسته از واکه‌های مورد بررسی تا حد زیادی در فارسی و آلمانی متفاوت است، مدرسان زبان فارسی باید درباره‌ی خصوصیات آوایی واکه‌های زبان آلمانی از دانش زبانی لازم برخوردار باشد تا در صورت کاربرد واکه‌های زبان فارسی به زبان‌آموزان تذکر بدهند و تفاوت واکه‌های دو زبان را از لحاظ ساختاری و آوایی برای آنان روشن سازند. هاشم‌زاده (۱۳۸۷: ۴۳۰) به منظور تقویت ضعف شنیداری فارسی‌آموزان، توصیه می‌کند که زبان‌آموزان می‌توانند به منظور تقویت حافظه‌ی شنیداری، صدای خود را ضبط کنند و با پخش دوباره‌ی آن، نوشتن دیکته را شروع کنند.

در برخورد با خطاهایی ناشی از نویسه‌های یک واج نیز راهکار کاهش این نوع خطاها را می‌توان در تمرین و تکرار جستجو کرد. با تأیید دیدگاه هاشم‌زاده (۱۳۸۷: ۴۳۳) در رفع این خطاها، می‌توان از املائی تصویری بهره‌مند شد؛ بدین معنی که هر دسته از واژه‌ها که نویسه‌های مخصوص به خود را دارند بر روی تصاویر و/یا کارت‌هایی نوشته شده و در کلاس درس نصب می‌شوند تا زبان‌آموزان صورت تصویری آنها را به ذهن بسپارند.

مشکوه‌الدینی (۱۳۷۹: ۱۶۸) در خصوص خطاهای تولید شده توسط کودکان بیان می‌کند که وادار کردن کودکان به خواندن واژه‌های دارای رشته‌حروف همسان مانند «داد، باد، شاد و نهاد» و «دست، بست، هست و نشست» در آغاز یا پایان سوئمنده به نظر می‌رسد. بی‌تردید اجرای چنین راهکارهایی به منظور رفع اختلال

در یادگیری این دسته از حروف بی‌تأثیر نخواهد بود. وی در ادامه اظهار می‌کند که از این راه، کودکان با رشته‌صداها و نیز رشته‌حروف متقارن در واژه‌ها آشنا می‌شوند. برای این کار، یک نمونه واژه به کودکان داده می‌شود و از آنان خواسته می‌شود تا در متن پیش‌رو، واژه‌هایی را که در آغاز یا پایان آنها رشته‌حروف همسان یا نمونه‌واژه را دارند، پیدا کنند و بخوانند. این گونه تمرین‌ها به کودکان فرصت می‌دهند تا تقارن‌های حروف و صداها را به صورت رشته‌ای درک کنند و به علاوه، تقارن‌های حروف و صداها را در جایگاه پیش یا پس از رشته‌حروف، بهتر بشناسند. هرچند چنین توصیه‌هایی را مشکوه‌الدینی برای آموزش کودکان مطرح نموده است، می‌توان آنها را در مورد فارسی‌آموزان غیرایرانی نیز به کار برد.

همچنین، آشنایی با مسائل آوایی زبان اول فارسی‌آموزان می‌تواند به‌عنوان ابزاری مفید برای آموزش زبان فارسی در نظر گرفته شود؛ به‌عنوان مثال، در خصوص آموزش زبان فارسی به آلمانی‌زبانان، مدرس زبان فارسی با تسلط نسبی به زبان آلمانی می‌تواند ضمن بررسی منشأ خطاها و مقایسه‌ی دو زبان به کاهش خطاها کمک نماید. از دیگر راهکارهای موثر در یادگیری یک زبان خارجی/دوم، آموختن آن زبان در محیط همان زبان است که میردهقان (۱۳۸۰: ۲۴) از این راه به‌عنوان راهکاری برای غلبه بر این نوع خطاها اشاره کرده است.

منابع:

- احمدوند، ا. (۱۳۸۹). تجزیه و تحلیل خطاهای نوشتاری فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان سطح مقدماتی. رساله‌ی کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- افراشی، آ. (۱۳۸۶). ساخت زبان فارسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
پنجه‌چی، ح. (۱۳۷۶). دستور جامع زبان آلمانی. تهران: نشر دنیای نو.
- دلاور، ع. (۱۳۸۱). مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی (چاپ سوم). تهران: انتشارات رشد.
- صفوی، ک. (۱۳۸۶). آشنایی با نظام‌های نوشتاری. تهران: نشر پژوهاک کیهان.
- عبدالکریمی، س. (۱۳۸۸). پرسامدترین فرایندهای واجی در زبان آلمانی. پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۵۴، صص: ۱۰۷-۸۹.
- گلهداری، م. (۱۳۸۷). تحلیل خطاهای نوشتاری زبان‌آموزان غیرایرانی. مجموعه مقالات سمینار آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان (صص: ۳۵۳-۳۴۳). تهران: کانون زبان ایران.
- مشکوه‌الدینی، م. (۱۳۷۹). توصیف و آموزش زبان فارسی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- میردهقان، م. (۱۳۸۰). آموزش زبان فارسی به اردوزبانان و زبان اردو به فارسی‌زبانان. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

هاشم‌زاده، م. (۱۳۸۷). درس املا و راهکارهای موثر در ارائه‌ی آن. مجموعه مقالات سمینار آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان (صص: ۴۳۹-۴۲۳). تهران: کانون زبان ایران.

Brown, H. D. (1994). *Teaching by Principles: An Interactive Approach to Language Pedagogy* (2nd edition). NY: Longman.

Corder, S. P. (1967). The Significance of Learners' Errors. *International Review of Applied Linguistics*, 5: 161-169

Fisiak, J. (1981). *Contrastive Linguistics and the Language Teacher*. Oxford: Pergamon Press Ltd.

Keshavarz, M. H. (1994). *Contrastive Analysis and Error Analysis*. Tehran: Rahnama publications

Keshavarz, M. H. (1999). *Contrastive Analysis, from Theory to Practice*. Tehran: Rahnama Publication.

Ziahosseiny, S. M. (1994). *Contrastive Linguistics*. Tehran: Islamic University Press.